



عکس: محسن پخشنده | شهرآرا

روایتی از روزگار نخستین بانوی ایرانی مدال آور پارالمپیک ۲۰۰۰ سیدنی
که کار و تلاش را هرگز کنار نگذاشت

بلندتر از قامت هر ایستاده‌ای

۷۸

شهر بانو

۱۴۰۰

۰۸

۲۴

۲۴ شهریور

۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۵۳۹ روزنامه شهرآرا

تحلیلی بر الگوی سوم زن مسلمان

نه شرقی
و نه غربی

جایگاه
ارزشمند زنان
در شهرها



فاطمه سلیمی

عضو هیئت رئیسه شورای اسلامی شهر مشهد

(آفاق)

جایگاه ارزشمند زنان در شهرها

زن در عالم هستی و در همه ادوار تاریخ، نمادی از جریان زندگی و روح بخشی و انسان سازی و اعتلاگری است. زنان رهبران فکری و عاطفی جامعه هستند که قادرند با ابعاد روحانی خویش سرمایه های ارزشمند انسانی را به بالندگی و شکوفایی برسانند.

فارغ از دین و مذهب، همه زنان در جایگاه انسانی دارای ۳ نقش فردی، خانوادگی و اجتماعی اند با این تفاوت که در برخی از مذاهب و ادیان، برخی نقش ها کم رنگ شده یا از فلسفه اصلی خود خارج شده اند و در جهان واقعی، مصداق درستی نیافته اند. این امر ناشی از نداشتن الگویی کامل در مصداق سازی دنیای واقع است. الگوپذیری به فرایندی اطلاق می شود که در آن، رفتار یک فرد یا گروه به مثابه محرکی برای افکار، نگرش ها یا رفتارهای شخص یا اشخاصی دیگر به کار گرفته شود. به عبارت دیگر، الگوپذیری یعنی فرایند پیروی از یک مدل عینی و راهنمای عملی در رفتار و کردار که به تسهیل نقش آفرینی درست بر اساس ارزش ها منجر می شود.

نقش مدیریت شهری در الگوسازی و ارتقای زنان

شهر یکی از بزرگ ترین دستاوردهای بشری است که شکل آن همواره برآمده از مجموعه تصمیمات متولیان مدیریتی و ساکنان آن است و چگونگی رویکردهای توسعه ای افراد آن وابسته به تجمیع رویکردهای این تصمیمات است. مجموع آن قدرتی است که به زاده شدن محورهایی در راستای دستیابی به تعالی یا رکود توسعه انسانی منجر خواهد شد. اهمیت رویکردهای شهری در جهان شهری چون مقدس مشهد به عنوان پایتخت معنوی ایران و دومین کلان شهر مذهبی جهان که با برخورداری از بارگاه ملکوتی حضرت رضا^(ع) علاوه بر شهروندان و مجاوران، میزبانی از زائران حضرت رضا^(ع) را بر عهده دارد دوچندان است. متأسفانه هم اکنون، چندان که در شأن جهان شهر مقدس مشهد با شعار «تجسم برکت و کرامت» باشد، الگوسازی در اقشار مختلف به ویژه جوانان و دخترانمان تسری نیافته است. در این میان، نقش مسئولان شهری، شورای شهر و کمیسیون های مرتبط در ایجاد بسترهای ارتقا و تعالی و فراهم آوری زمینه های الگوسازی

در خور توجه است. اهمیت معرفی الگوهایی انسان ساز که مسیر رشد و توسعه را تسهیل کنند بر عهده مسئولان و دغدغه مندانی است که ابزارهای لازم را در دست دارند. بر این اساس، یکی از رویکردهای شورای شهر در دوره ششم، با تأکید بر ارتقای کرامت زنان و از دریچه آن، کرامت جامعه، بر این اساس شکل خواهد گرفت تا نمادهای قابل الگوبرداری را در همه موضوعات رشد و توسعه به جامعه معرفی کند و زمینه های آشنایی زنان و دختران شهر علی بن موسی الرضا^(ع) با این الگوها بیش از پیش میسر و انعکاس رفتارهای منطبق بر نمادهای متعالی انسانی در رفتار و شخصیت و عملکرد تمامی زنان پدیدار شود.

فاطمه (س) الگویی فراتر از زمان و مکان

حضرت فاطمه زهرا^(س) در کنار مجموعه صفات ایمانی و اعتقادی شان که مختص زن مسلمان است، در مقام یک زن، ویژگی هایی عمومی دارند که برای همه گروه ها مناسب است. ایشان در سبک زندگی خود، یعنی نقش و جایگاه فردی، در نقش خانوادگی خود، یعنی مادری و همسری، و در نقش اجتماعی و سیاسی خود، مصداق اعلامی یک زن کامل هستند. این بانوی بزرگوار به عنوان یک فرد، آینده تمام نمای زندگی انسانی، نوع دوستی و احسان، صبر و گذشت، عفت و حیا و قدرت و صلابت است.

هرچند زنان بسیاری به لحاظ فضایل اخلاقی و انسانی و نقش آفرینی در جهان بشریت در طول تاریخ خوش درخشیده اند، هیچ زنی به پای حضرت زهرا^(س) نرسیده است زیرا ایشان به رغم عمر کوتاه خود، آثار و برکات فراوانی برای همه زمان ها به یادگار گذاشت. زندگی حضرت فاطمه زهرا^(س) پر است از آموزه های دینی و قرآنی که هر انسانی از آن الگوبرداری کند، گوی سعادتمند خواهد بود و خود و انسان های پیرامون خود را به سر منزل مقصود حیات خواهد رسانید.

لازمه این امر آشنایی بیش از پیش زنان با ارزش ها و توانمندی های انسانی خویش و نقش حساس و مهمشان در دستیابی جامعه انسانی به اهداف خود و هم چنین تلاش آن ها در راستای بهره گیری از الگوی زنان عالم، حضرت فاطمه زهرا^(س)، و آسان سازی ایفای نقش خود در مسیر اعتلای جامعه است.



عکس ترافیک است



شبنم کرمی

روزنامه نگار

(فروغ)

چتری از آگاهی بر سر کاربران خانه دار

«عزت خان نزدا هالی محل خیلی عزت و احترام داشت. یلی بود. همه محله به سرش قسم می خوردند. خیرش به همه اهالی می رسید. حتی بچه ها سهمیه روزانه نخود و کشمش و آب نبات عسلی پیش عزت خان داشتند. خیر نبیند این کرونا که مرد و نامرد شناخت و عزت محله ما را گرفت. اما کرونا تنهایی دست به کار نشد، بلکه ناآگاهی یا -بهرتر بگویم- اخبار نادرست هم دست به دستش دادند. عزت خان با اخبار نادرستی که از گروه خانوادگی گرفته بود، هر چه گفتیم و اکسن نزد و سرانجام کرونا گرفت و حالش که کمی روبه وخامت گذاشت، هر چه به اهل و عیالش گفتیم باید در بیمارستان بستری شود، زیر بار نرفتند که نرفتند. می گفتند: «توی فلان کانال و گروه گفتن مریضتونو بیمارستان نبرین که همه کسایی که بستری شدن مردن!» یا «از یک جایی خوندم اسپند دم می کنیم، می دیم بهش، خوب می شه!» ***

همه ما هر روز ناگزیر در معرض بمباران خبری رسانه ها و فضای مجازی هستیم. از گروه های دوستانه و همکاری تا خانوادگی، اعضا مرتب در حال انتقال و جابه جایی مطالب گوناگون هستند، اما چند درصد مطالبی که می خوانیم، می بینیم یا می شنویم صحت دارد؟ چگونه می توان از درستی آن ها اطمینان یافت؟ از چه راهی بدانییم موضوعی که به اشتراک می گذاریم از چه منبعی منتشر شده است؟ وقتی از منبع و درستی مطالبی اطمینان نداریم و آن را به نفر یا گروه بعدی منتقل می کنیم، چه آثاری بر زندگی و سرنوشت دیگران می گذاریم؟ و صدها «آیا» و «چرا» و «چگونه» دیگر.

انتشار اطلاعات به واسطه دسترسی همگان به فضای مجازی چنان سرعت گرفته است که تنها در لحظه ای، مطالبی با دست به دست شدن مکرر، در اختیار همه کاربران اینترنت قرار می گیرد. از آنجا که استفاده از هر امکانی سواد و آگاهی خود را می خواهد، نبود علم لازم هنگام بهره مندی از رسانه می تواند بسیار ضربه زننده و ویرانگر باشد. هنگامی که یک وسیله مانند گوشی تلفن همراه جدید می خریم، ابتدا به دفترچه راهنمای آن برای استفاده درست و پیش گیری از آسیب به دستگاه مراجعه می کنیم. پس چگونه است که وقتی محتویات تازه ای مبتنی بر اخبار و اطلاعات از طریق همین گوشی همراه دریافت می کنیم، هرگز نیازی به داشتن سواد برای استفاده از آن در خود نمی بینیم؟

این روزها با توجه به گسترش وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی، سواد رسانه ای به مقوله ای تبدیل شده است که دیگر ویژه خبرنگاران و روزنامه نگاران نیست. هر فردی که در روز حتی یک مطلب و خبر را از جایی وام گرفته است و منتشر می کند، حکم خبرنگاری را دارد که در این کار نیازمند انصاف و آگاهی است.

شاید یکی از اقشار اثرگذار و اثرپذیری که از این طریق پیوسته در معرض اطلاعات و اخبار روزمره قرار دارند بانوان خانه دار باشند. این قشر با توجه به شرایط خود، استفاده از اطلاعات فضای مجازی و اینترنتی و به اشتراک گذاشتن اطلاعات با هم مسلکان را روشی برای بهبود مراودات و سطح دانسته ها و زندگی خود قلمداد می کند. این در حالی است که هیچ روشی برای آموزش سواد رسانه ای و اینکه چقدر از اطلاعات دریافتی و منتشر شده از سوی آن ها درست است برای خود در نظر نگرفته اند و با اطمینان کامل به مطالبی که دریافت می دارند، آن ها نیز سهم خود را در انتشار اخبار و مדיاها ایفا می کنند. به یقین، دیده شدن هم زمان یک موضوع در چندین کانال و گروه و اپلیکیشن نمی تواند دلیلی برای صحت آن باشد.

انتشار خطاهای کودکان ناشی از مشکلات تحصیل بر خط کودکان برای خنده دیگران، نمونه دیگری از بی سوادی رسانه ای است که به عنوان رفتاری آسیب زا این روزها بسیار دیده می شود، اما با نگاه آگاهانه هنگام باز نشر آن، اگر تصور کنیم این کودک ماست و با این کار تا چه حد می تواند دچار آسیب روحی و روانی شود، آنگاه قطعاً در رفتار رسانه ای خود بازنگری و پیش گیری بیشتری را لحاظ می کنیم.

بنابراین، بررسی منابع و درستی مطالب و هم چنین اندیشه و برخورد منطقی در انتشار برخی از آن ها می تواند از بروز بسیاری از آسیب های امروز و فردایمان بازدارنده باشد.



شهربانو

۲۴ آبان ۱۴۰۰
۹ ربيع الثانی ۱۴۴۳ شماره ۲۵۹۶

(۲)



تحلیلی بر الگوی سوم زن مسلمان

نه شرقی و نه غربی



دکتر
محدثه جزایی

دبیر انجمن
علوم سیاسی
شعبه خراسان

صدف

زن را ممتنع می‌کرد. این اندیشه‌ها از این الگو همواره با تناقض روبه‌روست، پارادوکسی که نمی‌تواند توضیح دهد اگر زن چنین کم و ناتوان است، چگونه شایستگی پرورش کودک را دارد، و چگونه می‌توان مسئولیت دشوار اداره خانه را به زانی سپرد که جز عاطفه و احساس ابزاری برای مدیریت ندارند. ادعای کم‌انگاری زنان درحالی در الگوی نخست به عنوان یک پیش فرض مسلم پذیرفته شده است که از هر توضیحی درباره تناقض‌های به وجود آمده عاجز است.

➤ زن و فساد فکری اجتماعی

نتیجه طبیعی ناتوانی ذاتی زنان این است که حضور آن‌ها در اجتماع نه تنها نمی‌تواند پیامد مطلوبی داشته باشد بلکه باعث ایجاد انحراف و فساد در جامعه خواهد شد. از آنجا که در زنان عاطفه قوت و غلبه دارد، در صورتی که زنان در جامعه حاضر باشند، ممکن است موجب کندی کارها و ایجاد مفسده‌های فراوانی شود و با راندن زنان به محیط‌های خلوت و به طور اخص محیط خانه، می‌توان از این فساد جلوگیری کرد. چنین برداشتی از حضور اجتماعی زنان نیز به تناقضی لاینحل دچار است. نخست اینکه در این تلقی جنسیت بر انسانیت غلبه یافته است. این درحالی است که زنان با مردان در «انسان بودن» مشترک‌اند. به دلیل چنین اشتراکی، برای رفع نیازهای خود به جامعه نیاز دارند. حذف زنان از عرصه جامعه تأمین بخش مهمی از نیازهای زنان را مختل می‌کند، نیازهایی که نه به دلیل زن بودن بلکه به دلیل انسان بودن حادث شده است. تناقض دوم از آنجا سر برمی‌آورد که با گسترش جوامع و پیچیده‌تر شدن زندگی اجتماعی نمی‌توان همه خانه‌ها و خانواده‌ها را محیطی امن و ایمن برای زنان در نظر گرفت. بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از خانه‌ها و تربیت ناصحیح نشئت گرفته است، که ناآگاهی از آن‌ها به معنای نبود چنین آسیب‌هایی نیست. به علاوه، هر جرم و فسادى که در جامعه رخ می‌دهد نمی‌تواند منتسب به حضور زنان شود. انواع گسترده‌ای از فساد وجود دارد، مانند فساد اداری و فساد مالی که در آن زنان سابقه‌ای بهتر از مردان دارند. درباره فحشا نیز نمی‌توان همه بار مسئولیت گسترش چنین پدیده‌ای را به زنان محدود کرد که با حذف آنان جامعه از این آسیب اجتماعی مصون شود. در نتیجه، می‌توان گفت چنین ادعاهایی که در الگوی اول از زن مطرح می‌شود، بیش از آنکه از واقعیت نشئت گرفته باشد، در باورهای غیرواقعی، جهت‌گیرانه و ساختگی ریشه دارد.

الگوی اول زن، به تضادها و تناقض‌های زیادی دچار است که عملاً پیروی از آن را ممتنع می‌سازد. شاید بتوان گفت الگوی اول زن که زنان را کم، ناتوان، ناقص و محدود تصویر می‌کند، برای پنهان‌سازی تناقض‌ها و پرسش‌های بی‌جواب خود، به سنت‌های جاافتاده در یک جامعه منتسب می‌شود، سنتی که دست کم با جامعه ایرانی و مسلمان هم‌خوانی ندارد.

➤ مسئله زن و جایگاه زنان در جامعه بازگوکننده ارزش‌ها و اولویت‌های یک جامعه است. چنان که در نوشتارهای قبلی آمد، مدت‌هاست از سوی مقام معظم رهبری سخن از الگوی سومی به میان آمده است که ضمن ارزش‌گذاری به کرامت زن و جایگاه والای او در نظام آفرینش، نقش اجتماعی و حضور زنان در جامعه و سیاست را نه تنها امری نکوهیده نمی‌داند بلکه آن را حمایت و پشتیبانی می‌کند. حضور اجتماعی زنان در جامعه پیامدهای متعددی دارد که می‌تواند حرکت جامعه به سمت پیشرفت را سرعت بخشد. در این بخش، به الگوی اول می‌پردازیم، آنچه در ذهن‌ها نهفته بود.

هنگامی که از پیشرفت سخن گفته می‌شود، تنها توجه به بعد مادی آن نیست بلکه هم‌زمانی کارآمدی مادی و تعالی معنوی مد نظر است که در سایه آن می‌توان تربیت و پرورش نسلی پویا، خلاق و امیدوار به آینده را به مثابه یک پیامد تبعی در نظر آورد. این الگوی سوم در واکنش به ۲ مسیر افراطی و تفریطی درباره نقش آفرینی زنان است که در سراسر جهان نمونه‌های فراوانی از آن‌ها وجود دارد. هیچ‌یک از این ۲ مسیر که در اصطلاح به «شرقی» و «غربی» معروف شده‌اند، نه خواستنی و مطلوب جامعه ایرانی، و نه برانزده قامت زن ایرانی است. در حالی که الگوی غربی و نقایص و ناهم‌خوانی‌های آن با زنان جامعه ایران آشکار است و همواره مورد نقد و توجه قرار گرفته است، از توجه به الگوی دیگر چندان استقبال نمی‌شود. شاید به این دلیل باشد که معدودی می‌پندارند الگوی شرقی زن چندان هم بیگانه با جامعه ایرانی و تلقی‌های اجتماعی آن در ایران نیست. این در حالی است که بررسی دقیق الگوی شرقی نشان می‌دهد این مسیر چه اندازه با اسلام، تشیع، سنت و تاریخ ایران متفاوت و از آن دور است.

➤ کم‌انگاری و ناتوانی ذاتی زن

مسیر اول که مدت‌ها الگویی متعارف از زن تلقی می‌شد، بر کم‌انگاری زنان و حذف آنان از عرصه‌های اجتماعی دلالت داشت، زنی که جز محیط خانه در جایی دیگر اجازه حضور ندارد و زمینه‌ای برای بروز توانایی‌ها و استعدادهايش نمی‌یابد. پیش فرض این الگو از این باور برخاسته است که زنان به طور ذاتی ناتوان‌اند و به عنوان موجودی ضعیف و ترحم‌انگیز، در انجام مسئولیت‌های اجتماعی قدرت و توانایی ندارند. هوش، عقل و توانایی‌های جسمی در زنان به اندازه‌ای کم است که امکان برعهده‌گیری وظایف و تکالیف اجتماعی برای آن‌ها دشوار است. خلقت زنان به گونه‌ای است که ظرفیت کارهای اساسی و کلان را ندارند و تنها می‌توانند به اموری بپردازند که بار عاطفی و احساسی داشته باشند. اگرچه اکنون چنین تصور و برداشتی از زنان چندان پذیرفته شده نیست، سقراط، ارسطو و برخی پیش‌گامان فکر سیاسی نیز در اندیشه‌هایشان زنانگی را نقیصه‌ای در خلقت می‌دیدند که انجام وظیفه اجتماعی برای

بلندتر از قامت هر ایستاده‌ای

روایتی از روزگار

نخستین بانوی ایرانی مدال‌آور

پارالمپیک ۲۰۰۰ سیدنی که

کارو تلاش را هرگز کنار نگذاشت

شهربانو

۲۴ آبان ۱۴۰۰
۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ شماره ۳۵۹

(۴)

مانی توایم

عکس: محسن بخشنده | شهرآرا

جمله معروفی مدت‌هاست میان افراد رد و بدل می‌شود. آن هم این است که «تو هیچ وقت نمی‌دانی چه زمانی، چه کاری را برای آخرین بار انجام می‌دهی.» البته بیشتری‌ها این جمله را برای درک دنیای زودگذر و مرگ به کار می‌برند، اما این موضوع مصداق‌های بسیاری در روزمره زندگی آدم‌ها نیز دارد. آخرین باری که با خانواده‌مان دورهمی داریم، آخرین باری که دوستان را می‌بینیم، آخرین باری که می‌توانیم با چشم‌هایمان ببینیم یا آخرین دفعه‌ای که می‌توانیم راه برویم. «نیره عاکف» در یکی از روزهای هجده سالگی‌اش، برای آخرین بار با پاهای خود قدم می‌زند و بعد از آن، یک تصادف، برای همیشه تجربه راه رفتن را به یقما می‌برد. شاید خیلی‌هایمان با چنین اتفاقی، دیگر دور زندگی را خط قرمز بکشیم و لذت و موفقیت را بر خود حرام کنیم، اما عاکف نخستین بانوی مدال‌آور پارالمپیک ۲۰۰۰ سیدنی شد و مقامی را به دست آورد که هیچ بانویی قبل و بعد از انقلاب تا آن موقع به نام خود ثبت نکرده بود. سال ۶۱ بود که خانوادگی به سفر رفت. عاکف هنوز شور و حال آن سفر را به خاطر داشت. امتحانات سال آخر را گذرانده بود. در شرف کنکور بود و می‌خواست از میان رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی که مورد علاقه‌اش بود، انتخاب کند. به همین دلیل، سعی می‌کرد تا جایی که می‌تواند از این سفر لذت ببرد تا با روحیه‌ای شاداب آماده کنکور شود اما گمان نمی‌کرد که زندگی برگ دیگری برای او رو کند. در راه برگشت از همان سفر خانوادگی، خودروشان چپ کرد و او تنها کسی بود که در پی این حادثه، دچار آسیب و قطع نخاع می‌شد. بعد از اینکه درگیر معلولیت شد سراغ رشته تیراندازی رفت و ظرف ۲ ماه برای مسابقات کشوری اعزام شد. حالا سال‌هاست که از دنیای سیبل و هدف فاصله گرفته، اما حتی بعد از ورزش قهرمانی، برای خود و دیگران اشتغال‌زایی کرده است. مصاحبه‌مان به وقت نیمه اول آبان‌ماه در شعبه نمایندگی خودرو که اداره آن بعد از فوت پدر به او و خواهرش می‌رسد هماهنگ شده است و حرف‌های شنیدنی‌اش را گوش کردیم.

➤ امید به بهبودی

روزهای اول در بیمارستان گیج و مبهم بود. آشنا و فامیل به ملاقاتش می‌رفتند و دکترهای خوبی را که برای درمان می‌شناختند معرفی می‌کردند. خلاصه هرکسی دوست داشت کار مثبتی برای بهبودی او انجام بدهد. «همه می‌گفتند: به دلت بد راه نده. خوب می‌شوی به این دلیل که جوان هستی. یکی از دکترها به من گفت: نخاع قطع شده، اما جای نگرانی نیست زیرا خودش را ترمیم می‌کند. من اما در درس‌هایم خوانده بودم که سلول‌های عصبی قادر به این نیستند که خودش را ترمیم کنند. به همین دلیل، دچار تردید شده بودم، اما باز هم می‌گفتم دکتر دانش این کار را دارد و او بهتر می‌داند.»

او به این دلیل که فرزند آخر خانواده و ته‌تغاری بود، مورد توجه همه قرار داشت و هضم این اتفاق برای خانواده و فامیل سنگین بود. همه این حساسیت‌ها موجب می‌شود عاکف تا ۸ سال فیزیوتراپی را ادامه دهد و حتی برای درمان به آلمان برود. «چند سال پیش بود که برای الکترومیوگرافی (روش تشخیصی برای ارزیابی سلامت عضلات) نزد دکتر رفتم و به من گفت دیگر نمی‌توانم تا آخر عمر راه بروم. از شدت ناراحتی اشک می‌ریختم، اما دکتر با جدیت به من گفت: چرا گریه می‌کنی؟ پاهایت را از تو گرفته‌اند. مغزت را که نگرفته‌اند. برای باقی عمرت از مغزت استفاده کن زیرا همین کافی است برای اینکه بهترین باشی.»

➤ باقی عمرت را نشسته امتحان کن

آن روزها پذیرش اینکه دیگر نمی‌تواند راه برود برایش خیلی سخت بود. با خود می‌گفت برای دیگران به حرف آسان است. روزها پشت سر هم می‌گذشتند و او هیچ حسی در پاهایش احساس نمی‌کرد. اما در نهایت، همین صحبت‌ها و دلگرمی‌های اطرافیان بود که او را به زندگی امیدوار می‌کرد. «آن سال مادرم همیشه به من می‌گفت تو ۱۸ سال راه رفته‌ای. حالا باقی عمرت را نشسته امتحان کن. دوستان و اطرافیانم نیز طوری با من برخورد می‌کردند که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است و تفاوتی با آن‌ها ندارم. نمی‌گذاشتند سختی این اتفاق را احساس کنم. به یاد دارم که جشن تولد هایشان را به خانه ما می‌آوردند تا من هم حضور داشته باشم.» عاکف بر این باور است که پذیرش اینکه دیگر نمی‌توانست راه برود سخت بود، اما از زمانی که این موضوع را پذیرفت، زندگی برایش راحت‌تر شد. یکی از دکترهایی که برای درمان پیش آن‌ها رفته بود به او می‌گوید که آسمان همه جای رنگ است و عاکف این جمله را آویزه گوش خود می‌کند. «نمی‌توانم بگویم که آن اوایل به خاطر این اتفاق، افسرده و گوشه‌گیر نشده بودم، اما زمانی توانستم زندگی‌ام را تغییر بدهم که با ورزش آشنا شدم.»

سال ۶۹ یعنی درست ۸ سال بعد از وقوع حادثه، به واسطه یکی از اطرافیان به سالن تخته می‌رود. می‌داند که می‌خواهد مسابقه بسکتبال بانوان معلول را تماشا کند، اما شاید ته دلش فکر نمی‌کرد که آن روز همیشه در خاطرش ماندگار می‌ماند، به عنوان روزی که ذهنیتش درباره معلولیت تغییر می‌کند. «در طول مدت آن مسابقه، گیج و مبهم بودم از اینکه می‌دیدم آن‌ها شرایطی مانند من دارند و تا این اندازه فعال هستند. آنجا بانوانی را دیدم که با صندلی چرخ‌دار بسکتبال بازی می‌کردند، می‌خندیدند و شاد بودند. آن قدر انرژی داشتند که به همه تماشاچیان سالن نیز منتقل می‌شد.»

➤ مگر می‌شود با معلولیت به زندگی عادی ادامه داد؟

او آن روز تلاشی می‌دید که آن بانوان معلول کارهایی را انجام می‌دهند که او از ابتدای معلولیت در ذهن خودش پرورده آن‌ها را تا آخر عمر بسته بود. به همین دلیل، حتی پس از پایان مسابقه نیز نمی‌توانست از تماشای زندگی معمولی این افراد که شرایطی مشابه خودش داشتند، چشم بردارد. «بعد از مسابقه، یکی



سعبده آل ابراهیم



از آن بانوان تنها سوار خودرو خود شد و رفت. دیگری ازدواج کرده بود و همسرش دنبال او آمد و یکی از آن‌ها عجله داشت و می‌خواست هرچه سریع‌تر به کلاس دانشگاهش برسد. همه ذهنم پر از سؤال شده بود مگر می‌شود که روی صندلی چرخ‌دار باشی و بتوانی رانندگی کنی، درس بخوانی یا ازدواج کنی! تا آن روز کسی را با معلولیتی مانند خود ندیده بودم که خیلی فعال باشد، اما به مرور که با این بچه‌ها آشنا شدم، متوجه شدم می‌توانم زندگی عادی‌ام را داشته باشم.»

به مرور، در ارتباط با این افراد، حال و هوایش تغییر می‌کند و رانندگی را یاد می‌گیرد که این موضوع خیلی به استقلال و البته اعتماد به نفس او کمک می‌کند. بعد از ۸ سال، دوباره شروع به درس خواندن می‌کند تا کنکور بدهد. رشته زبان انگلیسی در دانشگاه آزاد را انتخاب می‌کند که محیط آن مناسب‌سازی نشده بود. به همین دلیل، دیگر قادر به ادامه تحصیل نبود. «دانشگاه پله داشت و کلاس‌های ما طبقه بالا بر گزار می‌شد. به همین دلیل بدون همراه نمی‌توانستم به دانشگاه بروم. کلاس‌هایمان زمان زیادی می‌برد و در این مدت، برای رفتن به سرویس بهداشتی دچار مشکل می‌شدم. در روز سعی می‌کردم مایعات نخورم تا به سرویس بهداشتی احتیاج پیدا نکنم. به همین دلیل، دچار مشکلات کلیوی شدم و به‌ناچار تحصیل در آن دانشگاه را متوقف، و رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه پیام نور انتخاب کردم.»

عاکف رشته پزشکی را انتخاب نمی‌کند به این دلیل که با وجود شرایطی که داشت، نمی‌تواند تمام وقت در دانشگاه حضور داشته باشد. اما دانشگاه در چچه‌ای به سمت فعالیت در حوزه‌های دیگر نیز برای او باز می‌کند.

«به مرور از طریق دانشگاه با رشته تیراندازی آشنا شدم و این رشته ورزشی خیلی وقت من را پر می‌کرد.»

✚ محک رشته تیراندازی به قهرمانی کشور انجامید

او می‌خواست خودش را در رشته تیراندازی محک بزند و به نوعی برای خودش یک سرگرمی جور کرده بود، اما حتی فکرش را هم نمی‌کرد که ۲ ماه بعد برای مسابقات قهرمان کشوری به تهران اعزام شود و رتبه اول را از آن خود کند. اینکه او در مدت ۲ ماه تا این اندازه در این رشته پیشرفت کرده بود معمول نبود. «موفقیت در رشته تیراندازی به تمرکز خاص و صبوری نیاز دارد. من آن زمان نمی‌دانستم که رکورد چقدر است و حتی خیلی از نکات ریز این رشته را هنوز یاد نگرفته بودم. در مسابقات کشوری اول شدم. قصدی برای ادامه مسابقات نداشتم، اما در آنجا استعدادیابی نیز می‌کردند و برای تیم ملی انتخاب شدم.»

عاکف از همان روز، به این دلیل که دید او به معلولیت تغییر کرده بود، ارتباطش را با افرادی که شرایطی مانند خودش داشتند برقرار نکرد و باهم دورهمی‌های شادی داشتند. او پیش از مسابقات تیراندازی، در مسابقات پینگ‌پنگ و دوومیدانی با صندلی چرخ‌دار شرکت می‌کند و در همان ۲ رشته نیز مدال کشوری می‌گیرد. «اولین مسابقه برون مرزی من سال ۱۹۹۹ بود که باید برای سال بعد، سهمیه المپیک را کسب می‌کردم. همان‌طور هم شد و سال بعد، ۶ ماه تمرین‌های خیلی سنگین و سختی داشتم. حتی رکوردم از بچه‌های سالمی که تیراندازی می‌کردند بیشتر می‌شد.»

معتقد است بی‌خبری از رکورد و مقام و... در رشته تیراندازی به کاهش استرس او در این حوزه کمک می‌کرد. مرتبه اولی که به مسابقات رفته بود، تمام و کمال صحبت مربی‌اش را در اجرای خود پیاده کرده بود. آن هم این بود که به هیچ چیز فکر نکند و تنها یک اجرای خوب داشته باشد. «آن زمان مانند امروز نبود که بتوانی خیلی راحت از طریق اینترنت به اطلاعات دست پیدا کنی، به همین دلیل، حتی بعد از مسابقه، متوجه نشده بودم که چه مقامی کسب کرده‌ام، اما پس از آن متوجه شدم که قبل و بعد از انقلاب اسلامی تا آن موقع، هیچ مدالی در این رده مسابقات بین‌المللی در هیچ کدام از رشته‌ها برای بانوان نداشته بودیم. در واقع، اولین بانوی مدال آور پارالمپیک بودم.»

✚ تبدیل انباری خانه به سالن تیراندازی

خانواده او به این دلیل که خیلی خوشحال بودند که دختر ته‌تغاری‌شان این قدر فعال شده است، از او برای شرکت در مسابقات کشوری و بین‌المللی حمایت می‌کردند. حالا خانواده تغییر مثبتی در زندگی فرزندشان می‌دیدند زیرا او پیش از این دائم در خانه بود، اما بعد از اینکه با تیراندازی آشنا شده بود، بیرون می‌رفت، تمرین و تلاش می‌کرد و دیگر ذهنش اطراف معلولیت و درمان آن نمی‌گشت. «حتی پدرم برای اینکه حمایت بیشتری از من داشته باشد، انباری خانه‌مان را به سالنی برای تیراندازی من تبدیل کرده بود. آنجا را سیل کشیده بودیم و البته هوای آن در زمستان، سرد و در تابستان گرم بود، اما خیلی بر موفقیت من اثرگذار بود زیرا علاوه بر تمرین در سالن، اوقات فراغتم در خانه را نیز به تمرین اختصاص می‌دادم.»

✚ اشتغال زایی برای ۱۰ نفر به مدت ۲۰ سال

او بعد از مسابقات به کار فکر می‌کند و با گذراندن دوره‌های آموزشی، مجوز تأسیس یک آژانس هواپیمایی را دریافت و برای ۱۰ نفر به مدت ۲۰ سال اشتغال زایی می‌کند. حتی از افرادی که دچار معلولیت بودند در کار استفاده می‌کرد. عاکف در رفت‌وآمد به کلاس موسیقی‌اش، با همسرش آشنا شده بود و بعد

از شروع به کار نیز به نوعی همکار شدند زیرا او نیز صاحب یک آژانس هواپیمایی بود. این آشنایی در سال ۸۲ به ازدواج ختم می‌شود. «بعد از ازدواج، مشغولیتم زیاد شده بود زیرا علاوه بر شغلم، باید به امور خانه و تیراندازی نیز می‌پرداختم. ضمن اینکه در همه زمینه‌های ورزشی، از مربیگری تا ریاست هیئت و نایب‌رئیس آن، مشغول بودم.»

تولد فرزند عاکف بر تغییر مسیر زندگی او تأثیر زیادی داشت. سال ۲۰۰۴ که می‌خواست برای المپیک آتن به یونان برود، فرزندش هفت ماهه بود. به همین دلیل، همه فکر و ذکرش سمت پسرش بود، به قدری که حتی دیگر مایل به این سفر نبود، اما همه او را ترغیب می‌کردند و می‌گفتند حالا که به اینجا رسیده‌است، حیف است که از مسیر ورزشی‌اش منحرف شود. در برخی مسابقات، پسرش را به همراه یک پرستار با خود به اردو می‌برد. صبح‌ها آهسته از کنارش بلند می‌شد تا بیدار نشود. در طول تمرین نیز استرس داشت که مبادا بیدار شود و گریه کند، در صورتی که تیراندازی رشته‌ای است که نباید حتی ذره‌ای تمرکزت به هم بریزد و گرنه تیرها به خطا می‌رود. «من در آن مسابقات، ۹۹ درصد فکرم به حال و اوضاع فرزندم مشغول بود و همین موضوع موجب شد که با میل شخصی، به مرور از ورزش فاصله گرفتم. سال ۲۰۰۸ بود که دیگر به هیچ وجه وقتی برای تمرین نداشتم. به همین دلیل از حضور در رشته تیراندازی خداحافظی کردم.»

✚ همه چیز در مقابل خانواده برایم کم رنگ است

پیشنهادهای بسیاری برای مربیگری تیم ملی به او داده شد، اما مستلزم شرکت در اردوها و باز هم دوری از خانواده که اولویت عاکف بود می‌شد. او دوست داشت حتی بدون اینکه سمتی داشته باشد و بنا به علاقه خودش در حوزه ورزشی کار کند، اما به دلیل مشغله‌هایش، همین کار را نیز نتوانست انجام بدهد. «همسرم خیلی من را تشویق می‌کرد که از کار و هدف دست نکشم، اما گاهی هر قدر آدم سعی کند نمی‌شود. تازمانی که مجرد بودم و مسئولیتی نداشتم، می‌توانستم این کارها را انجام بدهم. اما بعد از اینکه مسئولیت قبول کردم، همه چیز در مقابل خانواده کم رنگ می‌شود.»

او معتقد است زمانی را که برای تیراندازی گذاشته، به سقف آن رسیده است و بالاترین رده ورزشی مدال‌های المپیک را به دست آورده است. بنابراین از خودش رضایت دارد. ریز می‌رسد همین که آدم از خود و داشته‌هایش راضی باشد، کفایت می‌کند. «ضمن اینکه مجسمه من در موزه ورزش قرار گرفته است و انگار به تاریخ پیوسته‌ام. این ماندگاری نام رضایت بخش است و حس خوبی برایم دارد.»

✚ اگر معلول نبودم، زندگی‌ای معمولی داشتم

عاکف بر این باور است که شاید اگر معلولیتی در کار نبود، یک زندگی معمولی با روتین روزمره داشت، در حالی که او از کودکی به دنبال یک زندگی خاص بود و حالا خدا را شاکر است که توانسته است خوب زندگی کند و به اهدافش برسد. البته عاکف سال‌هاست برای کسانی که مانند او دچار ضایعه نخاعی می‌شوند وقت می‌گذارد تا مبادا ناامیدی را به دل راه بدهند. «تا به حال افرادی بوده‌اند که به واسطه دوست و آشنا از مشکل نخاعی‌شان خبردار شده‌ام. به آن‌ها سر زده و با آن‌ها صحبت کرده‌ام که افسرده و خانه‌نشین نشوند. یک مرتبه خانمی را دیدم که روی صندلی چرخ‌دار بود و گفت موقعی که مسابقات من را از تلویزیون تماشا می‌کرده، سالم بوده است. همیشه در دل خودش من را تحسین می‌کرده است که با این معلولیت در میدانی جهانی ورزش مدال آورده‌ام. او هیچ وقت فکر نمی‌کرده که روزی مانند من دچار معلولیت شود، اما حالا که این اتفاق برایش رخ داده، به سراغ تیراندازی رفته و من را برای موفقیت در این رشته، الگوی خودش قرار داده است.» برخلاف باور عموم مردم درباره معلولان، همه کارهای خانه‌اش از تهیه غذا تا گردگیری، جارو و... را خودش انجام می‌دهد و علاوه بر اینکه شواغل است، چند سالی می‌شود که با همکاری چند تن دیگر یک مرکز بیماران درگیر آسیب‌های نخاعی به راه انداخته است و او نایب‌رئیس این انجمن است. «از سال ۸۲ در فکر راه‌اندازی چنین مرکزی بودم، اما نشد. چند سال پیش با کمک بهزیستی این کار انجام شد. ۸۰۰ نفر از استان، کسانی که بر اثر حوادث دچار مشکل نخاعی شده‌اند، عضو این انجمن هستند که علاوه بر کلاس‌های روان‌شناسی و هنری، اقدامات فرهنگی نیز برای آن‌ها انجام می‌دهیم. متأسفانه تهیه لوازم موردنیاز این معلولان مانند صندلی چرخ‌دار بسیار هزینه‌بر شده است و به‌تنهایی قادر به تأمین آن نیستند. در حال حاضر به کمک خیران سعی می‌کنیم در زمینه معیشت و کاریابی به این افراد کمک کنیم، اما نیازمند یاری خیران بیشتری هستیم.»

✚ کمبودها بانوان را از ورزش دور کرده است

از نظر نیره عاکف، تعداد بانوان علاقه‌مند به رشته‌های ورزشی در مقایسه با دوره‌ای که او در این حوزه فعال بوده بیشتر شده است، اما اکنون کمبود و کسری‌ها بانوان را از انجام ورزش مورد علاقه‌شان دور می‌کند. «بانوان نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و نسل آینده را تربیت می‌کنند. بنابراین ورزش بانوان حتی از ورزش آقایان نیز مهم‌تر است و در میان بانوان، ورزش برای بانوان معلول ضرورتی دوچندان دارد زیرا بانوان باید بدن سالمی داشته باشند و از روحیه خوبی برخوردار باشند.»



شهربانو

۲۴ آبان ۱۴۰۰
۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ شماره ۲۵۶۹

(۵)



ارزیابی آماری یک کلیشه استراتژیک

آیا زن‌ها مخاطب بازار دیجیتال هستند؟



شهربانو

شنبه
۲۴ آبان ۱۴۰۰
۹ ربيع الثانی ۱۴۴۳ شماره ۳۵۲۹

(۶)

دیگری استفاده کنند.

➤ کسب‌وکارهای کوچک مخاطب متفاوتی دارند

با اینکه دیجی کالا یک ابرفروشگاه اینترنتی است، همه کسب‌وکارهای دیجیتال به همین نام خلاصه نمی‌شوند. به‌ویژه که کسب‌وکارهای کوچک در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام سفر کاملاً متفاوتی را برای مشتری خود ترسیم می‌کنند.

در فروشگاه‌های کوچک اینترنتی یا خریدهای مستقیم تلگرامی یا اینستاگرامی، فروشنده و خریدار به‌طور مستقیم‌تری با یکدیگر در ارتباط هستند و معمولاً پس از برقراری چند جمله، خرید نهایی خواهد شد. این رفتار که باید در روان‌شناسی خرید خانم‌ها بررسی‌اش کرد، باعث می‌شود خریداران زن در فضای مجازی تمایل چندانی به استفاده از امکانات دیجی کالا نداشته باشند.

➤ بازاربایان دیجیتال چطور جنسیت پرسونا را مشخص می‌کنند؟

پرسونای خانم یا آقا هر کدام ممکن است نیاز، سلیقه یا هدف متفاوتی از ایجاد تعامل با برند شما در فضای مجازی داشته باشد. این تعامل ممکن است مراحل نهایی یک سفر مشتری یا همان خرید باشد یا حتی یک لایک ساده در اینستاگرام. می‌توانیم با استفاده از ابزارها و روش‌های مختلف به این پرسونا دست یابیم. برای نمونه، استفاده از روش مشهور و مرسوم به «تست ماما» برای تعیین مخاطب ضرورت دارد. بدون انجام گفت‌وگو یا نیازسنجی مخاطب هدف، هیچ فعالیتی در فضای مجازی به سرانجام مطلوبی نخواهد رسید.

این نتیجه هم طبیعتاً در هر کسب‌وکاری متفاوت است. ممکن است فرضاً از روی تجربه، تصمیم‌گیر نهایی برای خرید وسایل خانه را خانم‌ها بدانیم اما نتایج آزمون ما را به آقایان برساند یا برعکس. در نهایت اما فعلاً چیزی که از روی تجربه می‌توان به آن استناد کرد این است که خانم‌ها بیش از چیزی که به نظر می‌رسد در خریدهای مرتبط با سبک خانواده نقش دارند.

گزارش سال ۲۰۲۰ GSMA زنان در کشورهای در حال توسعه مانند ایران ۲۰ درصد کمتر از مردان تلفن هوشمند استفاده می‌کنند و کاربران اینترنت نیز به همین میزان کمترند. علاوه بر این، اگر کشورهای جنوب شرق آسیا را از آمار کم کنیم، این عدد تا نزدیک ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت.

به‌طور خاص، آمارهای دولتی در ایران هم همین وضعیت را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های سازمان فناوری اطلاعات، با اینکه نسبت جمعیتی این ۲ جنسیت تقریباً برابر است، کاربران تلفن همراه که مهم‌ترین ابزار برای کسب‌وکار دیجیتال است، در میان زنان ۴ میلیون کمتر از مردان است. تعداد کاربران اینترنت هم به همین اندازه کمتر است.

توزیع متفاوت بازار کار و نرخ اشتغال هم در ایجاد یک تفاوت معنادار نقش کلیدی دارد. به‌طور قطعی، در جایی که نرخ اشتغال در میان مردان این چنین بیش از زنان باشد، پرداخت‌کننده نهایی هم به همین نسبت به سمت مردان سنگینی خواهد کرد. بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران در سال گذشته حدود ۴/۵ میلیون زن در ایران مشغول به کار بوده‌اند که این عدد در میان مردان نزدیک به ۱۰ میلیون نفر است. با توجه به این آمار، آیا می‌توان پرداخت‌کننده را همان خریدار در نظر گرفت؟

➤ زن‌ها از حساب کاربری خودشان استفاده نمی‌کنند

موضوع دوم در باره تعمیم‌ناپذیری این اطلاعات، استفاده از اکانت‌های دیگران برای خرید محصولات است. برخی از سایت‌های فروش این امکان را به مخاطبان خود می‌دهد که پس از خرید یک محصول نظر خود را درباره آن در وب‌سایت درج کنند. اگر سری به برخی محصولات آرایشی که به‌طور ویژه مختص خانم‌هاست بزنید، می‌بینید که نام‌های مردانه بسیاری تجربه خرید خود را زیر محصول درج کرده‌اند. به‌طور تجربی هم شخصاً بارها شاهد خریدهای اینترنتی‌ای بوده‌ام که خانم‌ها برای ثبت آدرس و حتی شماره تماس خود ترجیح داده‌اند از اطلاعات فردی همسر یا مرد

در طول این سال‌ها برای محصولات و برندهای مختلفی برنامه استراتژی حضور در دنیای دیجیتال نوشته‌ام، از فروشگاه‌های محلی تا برندهای FMCG که در واقع کالاهای تندمصرف سوپرمارکتی هستند، همین‌طور کسب‌وکارهایی که به‌طور کامل مبنی بر ارائه خدمات آنلاین بوده‌اند. بیشتر این برنامه‌ها با همه تفاوت‌هایی که داشتند در یک نکته مشترک بودند: در فرم بریف، مشتری مخاطب زنان معرفی می‌شوند. اما واقعاً زنان مشتریان اصلی کسب‌وکارهای دیجیتال هستند؟ آیا ممکن است شرکت‌های بزرگ دچار یک پارادیم ناصواب شده و به این اندازه در تشخیص مشتری خود اشتباه کرده باشند؟ چقدر این ادعا بر اساس یک گمان تجربی است و آیا اطلاعاتی در این باره منتشر شده است؟ و اینکه ما، بازاربایان دیجیتال، چگونه باید از این ویژگی‌های برای فروش بهتر استفاده کنیم؟



عماد پورشری
کارشناس
دیجیتال مارکتینگ

➤ قدم نخست نگارش پرسونا تعیین جنسیت است

یکی از مهم‌ترین ستون‌های فروش محصول یا خدمات شناخت مخاطب است. مهم هم نیست که یک فروشگاه داشته باشید یا خدمتی را از طریق اینستاگرام بفروشید. اگر مخاطب هدف یا همان پرسونای خود را حرفه‌ای مشخص کرده باشید حتماً حضورش را در دنیای واقعی و مجازی مدنظر قرار داده‌اید. برای این منظور، نخستین کار تعیین جنسیت مخاطب است.

پرسونا را باید بر اساس بریف مشتری بنویسید. یعنی مشتری با توجه به تجربیات، اهداف و شناختی که از محصول خود دارد، باید سرنخی درباره مخاطب به شما داده باشد و شما بر اساس آن یک مخاطب‌شناسی اصولی انجام دهید.

➤ آیا آماری وجود دارد؟

مطمئن نیستیم پروژه دانشگاهی یا قابل قبولی در این حوزه در ایران انجام شده باشد اما برخی داده‌ها و پیمایش‌ها می‌تواند تا اندازه‌ای ما را به نتیجه دلخواه نزدیک کند. یکی از مهم‌ترین این اطلاعات، گزارش‌های سالانه شرکت‌های بزرگ است که داده‌های ارزشمندی در اختیار ما قرار می‌دهند، اما به همین اندازه هم می‌توانند

➤ آمارهای دیجی کالا قابل تعمیم نیستند

چنین آمارهایی گرچه چالش برانگیزند، به چندین دلیل نباید به راحتی به آن‌ها استناد کرد. اول از همه اینکه دیجی کالا بیش از هر چیزی فروشگاه لوازم دیجیتال است. در همین گزارش ذکر شده است که بیشترین جست‌وجو در این وب‌سایت مربوط به موبایل است. در ۱۰ گزینه بعدی هم کالاهای دیجیتال به‌طور متعدد دیده می‌شوند. قصد ندارم کالاهای دیجیتال را محصولی مردانه معرفی کنم اما دست کم آمارهای جهانی این فرضیه را تقویت می‌کنند که خانم‌ها خریدارهای غالب تلفن همراه هوشمند نیستند. بر اساس

مسئله کودکان و تحصیل دختران



ریحانه صادقی
مترجم

➤ هر کودکی حق برخورداری از سلامت، تحصیلات و حفاظت و حمایت را دارد. با این حال، در گوشه گوشه دنیا، میلیون ها کودک به دلایلی مانند زندگی کردن در کشوری خاص، جنسیت یا شرایطی که در آن متولد شده اند از داشتن فرصت های برابر و منصفانه محروم اند. این محرومیت ها آثاری پایدار بر جسم، روح و زندگی آن ها به جا می گذارند.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، وضعیت کودکان در اروپا در مرحله بسیار وخیمی قرار داشت، و همین سبب شد سازمان ملل متحد (UN)، که یکی از سازمان هایی است که توجه بسیاری به مسئله کودکان جهان دارد، در سال ۱۹۴۶، آژانسی جدید را برای ورود به این مسئله و تهیه خوراک، پوشاک و مراقبت هایی بهداشتی برای این کودکان ایجاد کند.

این آژانسی با عنوان اختصاری یونیسف (UNICEF) یا صندوق اضطراری کودکان ملل متحد، که در ابتدا برای رسیدگی به وضعیت کودکان چینی و اروپایی در دوره پساجنگ تأسیس شده بود، در سال ۱۹۵۳ به یکی از زیرشاخه های ثابت سازمان ملل تبدیل شد. یک سال بعد، در سال ۱۹۵۴، روز ۲۰ نوامبر با هدف بزرگداشت مفاهیمی همچون اتحاد بین المللی، آگاهی رسانی به کودکان جهان، و بهبود وضعیت رفاهی کودکان به عنوان «روز جهانی کودک» نام گذاری شد.

۵ سال بعد، در روز ۲۰ نوامبر سال ۱۹۵۹، «بیانیه حقوق کودک» به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. در این بیانیه، حق حفاظت و حمایت، تحصیلات، مراقبت های سلامت، سرپناه و تغذیه مناسب به عنوان حقوق کودکان تعریف شدند. ۳۰ سال بعد نیز، در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۸۹، این مجمع «پیمان نامه حقوق کودک» را به تصویب رسانید. از آن زمان تاکنون، همه فعالیت های یونیسف در این زمینه در چهارچوب همین پیمان نامه انجام می شود. این پیمان نامه تأثیر بسزایی بر تغییر نگاه و رفتار با کودکان -به عنوان انسان هایی با حقوق مشخص و نه به عنوان اشیای منفعلی که به محافظت و رحمت دیگران نیاز دارند- داشت و استقبال بی سابقه ای که از آن شد به وضوح نشان دهنده تعهد گسترده جامعه جهانی به احقاق حقوق کودکان است.

پس از گذشت بیش از یک دهه توجه و تمرکز بر مسائل بهداشتی و سلامتی کودکان، یونیسف سرانجام حوزه توجه خود را گسترش داد و به همه نیازهای یک کودک معطوف کرد. از این زمان به بعد بود که توجه مستمر به مقوله تحصیلات کودکان، ابتدا با تقویت دوره های آموزشی معلمان و فراهم ساختن ابزارهای لازم برای کلاس های درس در کشورهای تازه استقلال یافته آغاز شد. علی رغم پیشرفت های بسیاری که در بسیاری از کشورهای جهان برای برخورداری کودکان از حق تحصیلات انجام شد، اکنون بیش از ۱۷۵ میلیون کودک در جهان از ورود به دوره پیش دبستانی بازمانده اند. این کودکان یکی از مهم ترین فرصت های سرمایه گذاری روی آینده خود را از دست می دهند و از همین آغاز قربانی پیامدهای ناشی از نابرابری های عمیق اجتماعی خواهند بود. طبق گزارش یونسکو در سال ۲۰۱۷، ۶۰ کودک از هر ۱۰ کودک بدون کسب مهارت های کمینه در خواندن و ریاضیات، دوره دبستان را رها کردند. تحصیلات البته، همان طور که گفته شد، یکی از حقوق اولیه بشر است، اما شکی نیست که فراهم آوردن امکان تحصیل برای دختران یکی از اثرگذارترین راه های دستیابی کشورها به شکوفایی کامل ظرفیت های اقتصادی، بهبود سطح سلامت شهروندان، کاهش مناقشات و درگیری ها، و نجات زندگی شهروندان است.

در همین راستا، بنیاد آسیا (The Asia Foundation) طی چند دهه گذشته، با اجرای برنامه های آموزش دختران در بسیاری کشورهای آسیایی از قبیل ویتنام، افغانستان، کامبوج، تایلند و مغولستان به محقق شدن این هدف کمک کرده است.

جین سلون (Jane Sloane)، مدیر ارشد طرح توانمندسازی زنان در این بنیاد، معتقد است در زمانه ای که نابرابری به طور روزافزون در برخی کشورهای آسیایی دسترسی دختران به آموزش و پرورش را تحت تأثیر قرار می دهد، توجه به دختران، و به ویژه تحصیلاتشان، در این جغرافیای آشوب زده باید بیش از پیش افزایش یابد. دلایل جا ماندن دختران در برخی کشورهای آسیایی عبارتند از: ازدواج زودهنگام، هنجارهای جنسیتی و بسیاری عوامل اجتماعی فرهنگی دیگر. جا ماندن دختران از تحصیل آثار مخرب دیگری را با خود به همراه خواهد داشت. این امر سبب محدود شدن مشارکت زنان جوان در حوزه هایی مانند علوم، فناوری، مهندسی، ریاضیات و علوم کاربردی، و در نهایت تنگ تر شدن عرصه بر آن ها در یافتن فرصت های شغلی مناسب خواهد بود.

آموزش دختران و زنان جوان علاوه بر تغییر زندگی آنان می تواند سبب تغییر تاریخ یک ملت نیز شود. جین معتقد است اکنون دیگر زمان سرمایه گذاری روی تحصیلات و آموزش دختران آسیایی برای تبدیل این آرزو به یک واقعیت برای نسل بعدی فرا رسیده است.

منبع: <https://www.un.org/en/global-issues/children>

ایراندخت

نقیسه زمانی
فصل فرهنگی



نگاهی به زنان مقتدر مسلمان تاریخ ایرانیان

تاجلی بیگم، بانوی سیاست مدار صفوی

➤ سال ۱۴۸۸ میلادی در موصل، از قلمرو حاکمان آق قویونلو، دختری زاده شد به نام تاجلی بیگم که پدرش محمد بیگ ترکمنان بود. بعدها سرنوشت چنان رقم خورد که تاجلی بیگم نامش کمال یافت و خوانده شد «نواب علیه تاجلی شاه بیگی خانم». سرنوشت وی چنین بود که در سال ۱۵۰۳ میلادی با مؤسس سلطنت صفویان، شاه اسماعیل اول، ازدواج کرد و بانوی دربار شد. تاجلی بیگم خانم همچون همسرش شیعه بود. بانوی دربار صفویه ۳ پسر زاد به نام های تهماسب میرزا، بهرام میرزا و سام میرزا، و دخترانی به نام های مهین بانو خانم و پریخان خانم از وی متولد شدند. تاجلی بیگم هوش سرشاری داشت و آشنا به نبرد بود. مهارت بسیاری نیز در شمشیرزنی داشت. چنین بود که همسرش را در جنگ ها همراهی می کرد. تاجلی بیگم در جنگ ایران با ازبکان و جنگ چالدران با عثمانیان حضور داشت. شجاعت و درایت وی مهرش را در چنان در دل شاه اسماعیل نهاده بود چنان که شاه صفوی برای شهبانوی خویش شعر می سرود. تاجلی بیگم در جنگ چالدران به دست یکی از فرماندهان عثمانی همراه همسر دیگر شاه اسماعیل به نام بهروزه خانم اسیر شد، اما بانو تاجلی بیگم از درایتش استفاده کرد و در قبال آزادی خویش، یک جفت گوشواره لعل به اسکندر پاشا، سردار سپاه دشمن، داد. اسکندر پاشا نیز وی را آزاد کرد. تاجلی بیگم که اسارت درخور وی نبود، بعد از آزادی و قبل از فرار، سر اسکندر پاشا را از تنش جدا کرد و نزد شاه سلیم اول عثمانی فرستاد. سال ۱۵۲۴ میلادی، شاه اسماعیل اول دار فانی را وداع گفت. بانو تاجلی بیگم نیز با کمک سران قزلباش و دیگر بزرگان دربار، فرزندش، تهماسب، را بر تخت سلطنت نشاند. فرزند ده ساله بود که تاج دار گشت و این چنین بانو ملکه مادر شد و لقب «نواب علیه» را کسب کرد. چون بانو رابط میان شاه و درباریان بود، شاه تهماسب مادرش را «شاه بیگی خانم» به معنای «والا ترین مقام دربار» نامید. قدرت نفوذ تاجلی بیگی خانم در طول حیات درباری اش موجبات فعالیت های مذهبی و خیر را نیز برای وی فراهم آورد و از زنان نیکوکار دوران خود بود. علاوه بر این، به امور عمرانی نیز اهمیت می داد. بانو تاجلی بیگی خانم در سال ۱۵۲۰ میلادی دستور بازسازی حرم حضرت فاطمه معصومه (س) را داد و در همان موقع، ایوان شمالی آن نیز ساخته شد.

در سال ۱۵۲۷ به خواست بانو تاجلی بیگی خانم پل دختر بازسازی شد. بنای عمارت گنبد در اردبیل نیز به دستور او ساخته شد. بانو وقف هایی هم در دوران حیات خویش انجام داده است که نمایانگر روح بزرگ یک زن سیاست مدار در عصر صفوی است. شاه بیگی خانم که خود در امور سیاسی درایت داشت، نتوانست حضور پررنگ قزلباشان در امور کشور را تحمل کند. به همین دلیل، قصد کرد از شدت روابط آنان در دربار بکاهد اما قزلباشان از نیت وی آگاه شدند و به مقابله با او برخاستند. قزلباشان به دلیل حفظ قدرت خود، میان شاه با ملکه مادر دشمنی انداختند و شایعه کردند که تاجلی بیگی خانم می خواهد از قدرت و نفوذش استفاده، شاه تهماسب اول را برکنار کند و بهرام میرزا را به جای او بر تخت شاهی بنشاند. شاه تهماسب نیز به مادرش بدبین شد و وی را به شیراز تبعید کرد. بانو تاجلی بیگم در طول سفر بیمار شد و تنها چند ماه توانست در شیراز زندگانی کند. سرانجام در سال ۱۵۴۰ میلادی در شیراز دیده از جهان فرو بست. پیکر بانو تاجلی بیگی با احترام در قطعه بی بی دختران شاه چراغ شیراز به خاک سپرده شد.

شهربانو

۲۴ آبان ۱۴۰۰
۹ رجب الثانی ۱۴۴۲ شماره ۲۵۲۹

(۷)



پرسش‌های حقوقی بانوان



زهره شوشتری
کارشناس حقوق

در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

+ به عنوان مهریه، یک قطعه زمین طلب کرده بودیم اما مکان و قیمت آن معلوم نبود. آیا مرد می‌تواند هرکجای شهر این قطعه را ثبت کند و به عنوان مهریه پس دهد؟

اطلاعات پرسش برای پاسخ کامل نیست: اینکه زمینی که به عنوان مهریه طلب شده، آیا در سند ازدواج به عنوان مهریه مشخص شده است یا جایگزین مهریه انتخاب شده است. مبلغ در نظر گرفته شده برای مهریه چه مقدار بوده است که بر اساس آن این زمین طلب شده است؟ پاسخ به این پرسش اطلاعات تکمیلی نیاز دارد.

+ آیا استعلام سوء پیشینه‌ای که در سامانه عدل ایران می‌گیریم با استعلامی که از تشخیص هویت با اثر انگشت می‌گیریم فرقی دارد؟

گواهی عدم سوء پیشینه کیفری برگه مخصوصی است که در آن گواهی می‌شود فرد فاقد سابقه کیفری است. این گواهی سابقاً فقط از سوی

پلیس +۱۰ صادر می‌شد تا اینکه قوه قضائیه برای سهولت کار، در سال ۱۳۹۵ سامانه‌ای برای ابلاغ الکترونیک اوراق قضایی به نام سامانه ثنا ایجاد کرد. اینکه گرفتن استعلام از کدام درگاه و به صورت حضوری یا اینترنتی باشد، تفاوتی ندارد.

+ چند سال قبل، ضامن وام ازدواج همکارم که کارمند بانک بود شدم. الان ایشان از بانک استعفا داده و ۱۰ ماهی می‌شود که قسط پرداخت نکرده است. مجموع بدهی ۸ میلیون تومان شده است. بانک برداشت از حسابم را مسدود کرده است. الان چطور می‌توانم حسابم را باز کنم؟

در صورتی که اقساط به پایان رسیده است، با در دست داشتن نامه از بانک به عنوان تسویه حساب کامل می‌توان حساب را از مسدودی خارج کرد و پس از این مراحل از فرد اصلی وام گیرنده برای پس گرفتن مبلغ پرداختی از سوی ضامن، دادخواست مطالبه وجه تنظیم کرد.

+ پدر بنده تحت پوشش کمیته امداد بود و من تحت تکفل او بودم. الان چند ماهی می‌شود که پدرم فوت شده است و مستمری کمیته امداد امام خمینی (ره) برای

من قطع شده است. می‌خواهم بدانم چه کار کنم که تحت پوشش کمیته امداد باشم. من زنی تنها هستم و سرپرست ندارم.

اگر متوفی در محلی مشغول به کار بوده است، می‌توان برای دریافت مستمری اقدام کرد.

+ کارمند شرکتی هستم و بیمه‌ام به طور کامل پرداخت شده است. بعد از زایمان، مرخصی برای من ۶ ماه لحاظ شده است در حالی که شنیده‌ام باید ۹ ماه باشد. الان باید چه کار کنم تا بتوانم از ۹ ماه مرخصی استفاده کنم؟

مطابق قانون، مدت مرخصی زایمان که برای بانوان در نظر گرفته شده است ۹ ماه است. برای اینکه بتوان از زمان کامل مرخصی زایمان استفاده کرد، می‌توان دادخواستی تحت عنوان افزایش زمان مرخصی زایمان از ۶ ماه به ۹ ماه را به دیوان عدالت اداری ارائه داد.



۲شنبه
۲۴ آبان ۱۴۰۰
۹ ربیع الثانی ۱۴۴۲ شماره ۲۵۹

(۸)

شهرزاد

نگار موقر مقدم
فعال فرهنگی



ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرعامل
سید میثم موسوی مهر
مدیرمسئول
سید هادی فیاضی
سر دبیر:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی

است، داستانی که درباره مسئله هویت و تعرض به آن و تلاش برای شناخت و دست یافتن به کنه وجود هر یک از شخصیت‌ها نوشته شده و سبب شده است کتاب به گونه‌ای متفاوت، به جنگ و آثار آن نگاهی بیندازد. «هیچ کس این زن را نمی‌شناسد» روایتی است که در دوره قحطی آذربایجان و اشغال آن از سوی نیروهای روس نوشته شده است، داستانی بومی که با اشاره به فرهنگ و آداب و رسوم مردم آذری، توانسته است به خوبی از پس دیالوگ‌ها و اصطلاحاتش برآید و آن‌ها را به روش قطره‌چکانی به داستان تزریق کند. شاید بتوان گفت همین امر سبب شده است داستان نه تنها برای مردم آن دیار شیرین و روان باشد، بلکه برای همه مخاطبان قابل فهم و خواندنی باشد. علاوه بر آن، هم‌زمانی اتفاقات تاریخی در بستر رمان، نشان از غنی بودن اطلاعات تاریخی نویسنده دارد. هرچند دغدغه اصلی رمان پیدا کردن هویت آدم‌های داستان است، تاریخ و جنگ ناگزیر مردم آن سرزمین را علت اصلی بحران هویتی آن‌ها می‌داند، جنگی که نه فقط خانه و کاشانه و سرزمینشان را اشغال می‌کند، بلکه زنان و دختران را مورد اصابت آثار جبران‌ناپذیرش قرار می‌دهد. بنابراین رسولی با انتخاب مضمون و دغدغه اصلی داستان، در بستر تاریخی جنگ، نوک پیکان این آسیب روانی و اجتماعی را به سوی زنان می‌گیرد و معتقد است جنگ برای کسانی که به آن دچار شده‌اند تمام‌شدنی نیست.

جایی از کتاب می‌خوانیم:

«با خنده گفتم: چقدر خوب که خودت هستی و خودت! فقط حیف که عاشق شدی و خودت را اسیر کردی. گفت: عاشق نبودم که تا حالا صد بار جانم را گرفته بود! گفتم: چی؟! گفت: غربت آسمان شهر شما. یک وقت‌هایی آن قدر دلم هوای زمین و آسمان شهر خودم را می‌کند که فکر می‌کنم الان است که بیفتم و بمیرم از دل تنگی، درست مثل همین حالا. جنگ هزار چیز با خودش می‌آورد. عشق و غربت را یکجا به من داد.» از طرفی، می‌توان گفت مشکلات جنگ و قحطی سال ۱۳۲۰ در آذربایجان مسئله‌ای است که در رمان‌ها کمتر به آن پرداخته‌اند و به عبارتی، شاید بتوان این طور گفت که ادبیات ما در حوزه مسائل جنگ، در جنوب کشور و پایتخت غنی شده است. این در حالی است که در این کتاب، خانم رسولی راوی اول شخص مردی را انتخاب می‌کند که آذری‌زبان است و به درونیات او رخنه کرده است، داستانی که هر خواننده‌ای آن را بخواند و آن زن را بشناسد، محال است از خاطرش برود.

نگاهی کوتاه به کتاب

«هیچ کس این زن را نمی‌شناسد»

عشق و غربت در کنار یکدیگر

+ «هیچ کس این زن را نمی‌شناسد» اولین رمان ندا رسولی، نویسنده و منتقد جوان البرزی، و نامزد جایزه ادبی بوشهر است، اثری ماندگار و فراموش‌نشدنی با روایت موازی که هریک خواننده را به خوبی با خود همراه می‌کند: روایت آصال و سارگل از ۲ زاویه دید متفاوت و در ۲ بازه زمانی نوشته شده



هیچ کس این زن را نمی‌شناسد
• نویسنده: ندا رسولی